


«دولت انقلابی» یا محلل بورژوازی

«دولت انقلابی» صنایع ورشکسته را بخرج مستضعفین ملی می‌کند تا مجدداً

آنها را به سرمایه‌داران برگرداند

الف - ب

پس اصولاً صنایع ورشکسته "ملی" شده " نیز در مالکیت دولت باقی نخواهند ماند. این صنایع فقط بطور موقت در اختیار دولت قرار می‌گیرند تا پس از اینکه به هزینه زحمتکشان سودآور شوند، بیار دیگر به مالکیت سرمایه داران خصوصی درآیند. بنا بر این دولت "انقلابی" در حقیقت نقش "محلل" بورژوازی را ایفا می‌کند، یعنی زمانیکه بحران اقتصادی و سیاسی باعث از بین رفتن تعادل رژیم سرمایه داری شده، دولت وارد میدان می‌شود و بخش بزرگی از موسسات سرمایه داری را موقتاً "بعقد ازدواج" خود درمی‌آورد تا پس از آرام شدن اوضاع و سرو سامان گرفتن وضع صنایع، مجدداً آنها را "طلاق" داده و به بورژوازی واگذار نماید. البته ممکن است در این میان عده‌ای از صاحبان صنایع موفق نشوند یا ردیگر همان موسساتی را که قبلاً مالکشان بودند به چنگ آورند، اما در عوض گروه دیگری از سرمایه داران این موسسات را صاحب خواهند کرد و نقل و انتقال بطور کلی در داخل طبقه بورژوازی انجام خواهد گرفت.

بهر حال، مانوری که دولت سعی دارد زیر پیوش "ملی کردن صنایع" انجام دهد، بقدری ناشیانه طرح شده و "دم خروس" دفاع از منافع سرمایه داری آنچنان از گوشه آن پیدا است که رژیم جدید مشکل بتواند با توسل به آن کارگزاران و زحمتکشان را بفریبد. برعکس، عملاً محیراً لایعقول "ملی کردن صنایع" سبب خواهد شد که گروه‌های هر چه وسیع‌تری از مردم زحمتکش به این واقعیت پی ببرند که دولت سرمایه دار، تحت هراسم و با هر ایدئولوژی که وارد میدان شود، هدفی جز سرکوب و استثمار اکثریت ندارد. 

صنایع و موسسات تولیدی همه گونـــه همراهی و مساعدت را نسبت به صاحبان آنها بعمل می‌آورد. اما شرکت‌های تولیدی که یعلت اعمال نفوذها و سوءاستفاده های مدیران و صاحبان آنها ظاهرأ بیجا سوددهی زیانبار بودند، در تملک دولت درمی‌آیند." (آیندگان، ۲ مرداد ۵۸)

معنی سخنان جناب وزیر اینست که سرمایه داری که "بطور سالم" به فعالیت اشتغال داشته اند (یعنی کسانی که بدون زدو بندهای رسوای رژیم گذشته به استثمار زحمتکشان مشغول بوده‌اند) از "همه گونه همراهی و مساعدت" دولت برخوردار میشوند تا همچنان به بهره کشی و کسب سود از دسترنج کارگران ادامه دهند، اما موسساتی که "بجای سوددهی زیانبار بودند" به تملک دولت درمی‌آیند تا ضرورتاً زیان آنها به حساب "بیت‌المال مستضعفین" گذاشته شود.

بدین ترتیب دولت از یک سو صنایع ورشکسته را "ملی" می‌کند و از سوی دیگر از صاحبان صنایع "سودبخش" حمایت به عمل می‌آورد. در اینکه چنین سیاستی دفاع مستقیم از سرمایه داری را تحت عنوان "ملی کردن صنایع" جا می‌زنند، ظاهراً ابهامی نباید وجود داشته باشد، ولی آقای وزیر، برای رفع هرگونه شبهه ای، از این هم فراتر رفتـــه و اعلام می‌کند "هدف از ملی کردن صنایع، برخلاف آنچه که می‌گویند، دولتی کردن آنها نیست، بلکه دولت با اینکار... پس از بررسی های دقیق، صنایع ملی شده را بصورت سهام عام درآورده و به عموم عرضه می‌کند." (مصاحبه احمدزاد آیندگان ۲ مرداد ۵۸)

هفته گذشته در مقاله "ملی کردن دولتی کردن، یا عوام فریبی کردن؟" در باره مانورهای اقتصادی دولت و مسئله با مصطلح "ملی شدن" بانکها و صنایع بزرگ مطالبی نوشتیم. در آن مقاله گفته شد که انگیزه اصلی دولت از این "ملی کردن ها" در حقیقت خدمت به منافع سرمایه داری و تلاش برای احیای اقتصاد کشور در چهار رجب کاپیتالیستی است. همچنین نشان دادیم چگونه مقامات دولتی اعتراف می‌کنند اقداماتی که در جهت "ملی شدن" بانکها و صنایع انجام گرفته، صرفاً "از روی اجبار و اضطرار و با احترام به" مالکیت مشروع و "حقوق حقه" سهامداران این موسسات عملی شده اند.

در پایان مقاله مورد بحث ما به استناد برخی فاکتورهای موجود، آنچه که مقامات دولتی بطور ضمنی مطرح کرده بودند، نتیجه گرفتیم که دولت "در شرایطی که بانکها و صنایع در شرف ورشکستگی قرار گرفته اند، مسئولیت حمایت از آنها را بعهده گرفته تا یکمک بودجه دولتی - یعنی بخرج اکثریت زحمتکش - این موسسات را ترمیم و بازسازی کند و در فرصت مناسب آنها را به سرمایه داران بخش خصوصی بازگرداند."

اخیراً "مطبوعات صحابه جدیدی" را با آقای احمدزاده، وزیر صنایع و معادن جمهوری اسلامی، چاپ کردند که در آن آقای وزیر ضمن تشریح مفهوم "ملی شدن" صنایع، صحت پیش بینی ما را تأیید نمودند. آقای احمدزاده ابتداءً روشن می‌کنند که "سیاست دولت بر اساس حمایت از صنایع و موسسات تولیدی که در گذشته بطور سالم به فعالیت اشتغال داشته اند... استوار است و دولت درباره اینگونه